

## گذشت



عمرم درین جهان پے سودو زیان گذشت  
ای آنکه بگذری ز سر خاک رفتگان  
عمر عزیز بین که چسان رایگان گذشت  
این چند روزه عمر ندانی چسان گذشت  
روز دگر بتمام گل در خزان گذشت  
این روزو این شبی که باه و فغان گذشت  
چون باد نوبهار و چو آب روان گذشت  
بیدار شو که روز شد و کاروان گذشت  
تا چشم برگشایی بینی جهان گذشت  
پنهان بیامد از ره و زین ره نهان گذشت  
جانم فدای همت آن باد کز نخست  
از دست رفت دین و دل من براه دوست  
روز دگر بزندگی جاودان رسد  
امروز هر که همچو نفیسی زجان گذشت

سعید نفیسی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جوانی استاد نفیسی